

مستحکم باد اتحاد بین المللی کارگران تمام کشورهای جهان ۳

کشتار در فلوجه

موچ فزاینده مقاومت توده های مردم عراق علیه نیروهای نظامی اشغالگر، سراسر این کشور را فراگرفته است. در سالگرد اشغال نظامی عراق، مردم این کشور در اغلب شهرها به خیابان ها ریختند و با نیروهای نظامی اشغالگر درگیر شدند.

یک سال پیش، امپریالیسم آمریکا به منظور تحقق اهداف توسعه طلبانه و امپریالیستی خود، همراه با نیروهای نظامی انگلیس، کشور عراق را به اشغال نظامی خود در آورد. از همان آغاز، ماهیت این اقدام تجاوز کارانه



در صفحه ۴

فستیوالی در ادامه کنفرانس برلین

و اعدام می کند، اعتصاب و اعتراض را منوع می کند و خلاصه تا آنجا که به سیاست داخلی رژیم بر می گردد، برای ادامه حیات و حفظ منافع خوبیش به هر جنایتی دست می زند و به هیچکس هم پاسخگو نیست. در عرصه سیاست خارجی- گرچه این نیز در کلیت خود جدا از سیاست داخلی نیست و بازتابی است از آن- و به منظور تأمین و تحقق همان اهداف و منافع یعنی تأمین منفعت کلیت نظام حاکم اما گاه رژیم به این نیاز داشته است تا چهره‌ی دیگری یا متعادل تری از خود نشان دهد و به منظور گسترش مناسبات خود با غرب و کشورهای اروپائی که آنها نیز در این معادله قبل از هر چیز منافع

جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم مذهبی تاریک اندیش، رژیم ارتجاعی و سانسور، ضد آزادی بیان و اندیشه، ضد دمکراتیک، ضد هنر و ادبیات انقلابی و بالنده، پاسدار و مروج انواع تبعیضات و ناقض ابتدائی ترین حقوق سیاسی و اجتماعی مردم ایران، در انتظار اکثریت عظیم این مردم شناخته شده است. نه این اکثریت مردم ذره ای در این خصلت و خصوصیت رژیم تردید و توهمند دارند، و نه جمهوری اسلامی نیازی می بیند این خصلت و خصوصیت را از انتظار این مردم که پنهان کردنی نیست، پنهان کند. زندانیان سیاسی را قتل عام می کند، قتل های زنجیره ای را سازمان می دهد، در کوچه و خیابان و کارخانه، مردم را به گوله می بندد، آدم ربائی می کند، شکنجه و حبس

کودکان خیابانی، قربانیان نظم حاکم

کودکان خیابانی بخشی از قربانیان بی عالتی هایی هستند که نظام سرمایه‌داری به جامعه بشری تحمیل کرده است. آمارهای نهادهای بین‌المللی شمار کودکان خیابانی را در سطح جهان ۱۰۰ میلیون نفر برآورد می‌کند. چهل میلیون آنان در آمریکای لاتین، سی و پنج میلیون در آسیا ده میلیون در آفریقا و بقیه در کشورهای «بی‌پسرفت» سرمایه‌داری زندگی می‌کنند. کودکان خیابانی کسانی هستند که کمتر از ۱۸ بھار از عمرشان سپری شده در خیابان زندگی و گاهی کار می‌کنند به وحشیانه‌ترین شکل استثمار می‌شوند و در معرض انواع خشونت و تجاوزات جنسی و بی‌حقوقی محض قرار دارند.

در صفحه ۲

در صفحه ۵

در صفحه ۸

خبری از ایران

جمع اعراضی کارگران پاپرووس

بعد از اخراج ۲۰ تن از کارگران با سابقه شرکت کاغذ سازی ایران پاپرووس در سال جدید، کارگران این شرکت دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر اداره کار شهرستان ساوه، خواستار بازگشت به کار کارگران شدند. کارفرمای شرکت، برای مقابله با خواست کارگران، با ارسال نامه ای به فرمانداری و کمیسیون کارگری ساوه، اعلام و رشکتگی نموده است. به دنبال این اقدام مذبوحانه کارفرمای، رسیدگی به خواست کارگران، به مراجع حل اختلاف و اگزار شده است.

جمع اعراضی کارگران

در آغاز سال جدید، دهها تن از کارگران دانشگاه علوم پزشکی همدان، به بهانه مشکلات مالی، اخراج و از کار بیکارشند. شمار این اخراج‌ها که از ۱۵ فروردین آغاز شده بود، به ۲۰۰ نفر رسیده است. در اعتراض به این مسئله، کارگران در محل دانشگاه دست به تجمع زده و خواستار بازگشت به کار اخراج شدگان شدند.

کارگران خواستار دستمزد و سایر مطالبات اند

دستمزد اسفند ماه کارگران صنایع الکتروموتور ایران (هواکش خزر) هنوز پرداخت نشده است. افزون بر این کارفرمای شرکت مبلغ ۸۲۰ میلیون ریال بدھی خود به کارگران بابت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را نیز نپرداخته است. کارگران خواهان پرداخت دستمزدها و سایر مطالبات خویشنده.

بلاتکلیفی کارگران کارخانه لرد

بیش از یک سال است که شرکت لرد همدان به بهانه بدھی‌های دولتی به حالت تعطیل درآمده است. ۲۳۰ کارگر این کارخانه که حدود نیمی از آنها قراردادی هستند، هم

کودکان خیابانی، قربانیان نظم حاکم

کودکان خیابانی مسئولان جمهوری اسلامی را وادار کرده که تعداد گشت‌هایشان را نیز افزایش دهند.

بر اساس یک کار تحقیقی مستقل که سال ۱۳۷۹ منتشر شد تعداد کودکان خیابانی در ایران دستکم یک میلیون نفر است که چهل و یک درصدشان بین سیزده تا شانزده سال سن دارند. یک کار تحقیقی دیگر که فاطمه قاسمی‌زاده، عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان در آبان ماه گذشته منتشر نمود حاکی از آن است که بیشترین میزان کودکان خیابانی در سنتین شش تا دوازده سال هستند و یک پنجم آنان را دختران تشکیل می‌دهند.

یکی دیگر از مشکلاتی که می‌توان در رابطه با کودکان خیابانی در ایران مطرح کرد، قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی است. ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی سن بلوغ را برای دختران هشت سال و شش ماه تعیین کرده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی در سال ۱۳۷۳ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودکان را امضاء کرده، کنوانسیونی که در ماده یک خود کودک را شخصی با کمتر از هجده سال سن معرفی می‌کند.

بررسی‌های دیگری نشان داده‌اند که هشتاد درصد خانواده‌های کودکان خیابانی در ایران در آمدی کمتر از هفتاد هزار تومان در ماه دارند و در واقع در فقر مطلق به سر می‌برند. این خانواده‌ها نه فقط توانایی تأمین هزینه‌های فرزندانشان را ندارند بلکه و دار شدند که یا آنان را در خیابان‌ها رها کنند یا برای اشتغال به کارهای کاذب و حتا تکدی‌گری به خیابان‌ها بفرستند.

کودکان خیابانی قربانیان نظم سرمایه‌داری حاکم بر جهان هستند. در ایران طبقه سرمایه‌دار و دولت حافظ منافع آن با وضع قوانین ارتجاعی که بی‌ارتباط با ماهیت دینی نظام نیستند به این پدیده ابعادی به مراتب وحشت‌ناک‌تر داده است. یک مبارزه جدی برای ریشه کن کردن پدیده کودکان خیابانی بدون مبارزه با نظم سیاسی - اقتصادی حاکم بر ایران بخت زیادی برای پیروزی ندارد.

پدیده کودکان خیابانی در ایران چنان گسترده شده که اکنون رسانه‌های جمهوری اسلامی نیز مجبورند خبرهایی در مورد آنان منتشر کنند. با این حال در خبرهای منتشر شده بسیاری از جوابات اصلی مربوط به پدیده کودکان خیابانی پنهان باقی می‌ماند، از جمله این که تعداد کودکان خیابانی ایران در آمار رسمی جایی ندارد و دولت هیچ گونه برنامه جدی برای آنان ندارد.

جمهوری اسلامی از سال ۱۳۷۸ را برای «جمع‌آوری» کودکان خیابانی در دستور کار گذاشت. بیش از شش سال از عمر این به اصطلاح طرح می‌گذرد، اما تمام شواهد حاکی از آن است که جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی خود هیچ اقدام جدی در این زمینه انجام نداده است. معتمدی، مدیر کل دفتر امور آسیب‌دیدگان بهزیستی روز سی‌ویک شهریور گذشته به یکی از خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی گفت که در تهران دو «پناهگاه کودکان» در شوش و خیام راه‌اندازی شده است. بوی در همان روز افزود که ۱۰ هزار «کونک خیابانی» از سطح خیابان‌ها جمع‌آوری شده‌اند، بدیهی است که مجموعاً ۱۸ هزار کونک را فقط در دو پناهگاه جای نداده‌اند و بسیاری را دوباره به حال خود رها کرده‌اند. آقای معتمدی در حالی از «جمع‌آوری» هزاران کودک در روز سی‌ویک شهریور خبر داد که آقای الصاق، مدیر کل بهزیستی استان تهران روز نهم مهر ماه سال گذشته به خبرگزاری دیگری گفت «از اول دی ماه ۱۳۸۱ تا ۲۹ شهریور ۱۳۸۲ پانزده هزار کونک زیر ۱۸ سال از شهرهای مختلف از طریق ترمیمال‌ها وارد تهران شدند». همین آقای الصاق در هفته پایانی فروردین جاری گفت که تعداد گشت‌های سیار جمع‌آوری کودکان خیابانی در سطح شهر دو برابر پیش از شووند. «به عبارت دیگر افزایش

کمک مالی

۲۰	دلار کانادا
۲۰۰	کرون
۱۰	یورو

کانادا	ستاره
سوئد	فریدون ش - م
فرانسه	ب ۵۶



مستحکم باد اتحاد بین المللی کارگران تمام کشورهای جهان

رقای کارگر!

فرارسیدن اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران را تبریک می گوئیم.

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) فرا می رسد و یک بار دیگر کارگران سراسر جهان دست از کار می کشند و با جشن و سرور، راهپیمایی و تظاهرات، اتحاد بین المللی خود را در برابر پاسداران نظام ستمگرانه سرمایه داری به نمایش می گذارند.

در اول ماه مه، لشکر بی شمار کار، قدرت عظیم بین المللی خود را در برابر اردوی سرمایه به نمایش می گذارد و نشان میدهد که کارگران سراسر جهان چون پیکر واحد، برای برآنداختن نظامی که برپایه استثمار، ستم، فقر، نابرابری، جنگ و کشتار بنا شده است، مصمم و استوار ایستاده اند.

طبقه کارگر نمی تواند با نظمی سراسرگاری داشته باشد که بنیادش بر استثمار و نابرابری نهاده شده است. از همین روست که از همان آغاز پیدایش نظام جهانی سرمایه داری، مبارزه طبقه کارگر برای برآنداختن این نظام و استقرار نظامی نوبن، عادله و انسانی همواره استمرار داشته است.

این مبارزه هرچند که در مقاطع تاریخی مختلف با فراز و تشبیب همراه بوده است، اما بنا به حکم تاریخ، سرانجام با پیروزی پایان خواهد یافت. چرا که تنها این مبارزه درجهت تحول تاریخی، پیشرفت بشریت و رهایی واقعی انسان است.

اگر نظام سرمایه داری به رغم ماهیت طلقانی و سرشت استثمارگرانه خود، زمانی به لحاظ تاریخی توجیه وجودی داشت، اکنون مدت های مديدة است که این دلیل و توجیه تاریخی خود را نیز از دست داده است و به مانعی عمدہ برسر راه تحول تاریخ و پیشرفت بشریت تبدیل شده است.

واقعیت های موجود جهان به وضوح پوسیدگی نظام سرمایه داری و ضرورت گذار به یک نظام انسانی سوسیالیستی را در برابر تمام توده های رحمتکش مردم جهان فرار داده است.

تضادهای سر به فلک کشیده و انبوه بحران هایی که نظام سرمایه داری جهانی با آنها روبروست و از حل آنها عاجز مانده است، اوج پوسیدگی و زوال تاریخی این نظام را بر ملاک دارد.

وفور ثروت خیره کننده است، اما یک میلیارد انسان گرسنه اند. هر سال چندین میلیون کودک از گرسنگی و بیو باید از امکانات بهداشتی و درمانی می میرند. وفور تولید وجود دارد، اما کارگران گروه بیکار می شوند و به صفویه میلیونی بیکاران فقیر می پیوندند. بحران اقتصادی ژرف و مزمی میگردد که این انسانی سرمایه داری را فراگرفته است. نرخ های سود کاهش یافته اند و رکود حاکم است. طبقه سرمایه دار استثمار کارگران را تشید کرده است. تعرض به سطح معیشت کارگران تشید شده است. دستمزد واقعی کارگران مدام در حال تنزل است. امکانات رفاهی و اجتماعی کارگران روز به روز محدودتر می شود و شرایط زندگی خالقین ثروت دائم و خیم تر می گردد.

با این همه، بحران لایحل مانده است، بورژوازی راه حلی اقتصادی برای این بحران ندارد. انحصارات جهانی توسعه طلبی های ارضی را با برآفروختن جنگ ها و لشکر کشی های نظامی تشید کرده اند، تا بدین طریق بازارهای جدیدی به دست اورند و صنایع خود را رونق بخشدند. هم اکنون در عراق هزاران تن از مردم کارگر و رحمتکش این کشور قربانی وحشی گری ارتش های آمریکایی و انگلیسی شده اند. به بهانه جنگ و خطر تروریسم بنیادگر ایان اسلامی که آنهم تجلی چیز دیگری جز پوسیدگی نظام سرمایه داری نیست، حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی مردم نیز پیوسته محدودتر می شود. فجایعی که نظام سرمایه داری در مقیاس جهانی به بار آورده است، حد مرز ندارد. با تمام این فجایع، بحران های نظام سرمایه داری که حاکی از پوسیدگی این نظام اند، نه تنها کاهش نیافته بلکه دائما گستردگر و ژرف تر شده اند.

تمام این واقعیت ها نشان می دهند که هیچ راه نجاتی برای نظام ستمگرانه سرمایه داری باقی نمانده است و بشریت ستمدیده تنها با نابودی این نظام است که می تواند از شر فجایع بی شمار آن رهایی باید.

یگانه الترتیتو این نظام نیز، تنها یک نظام سوسیالیستی است که طبقه کارگر جهان برای برپایی آن مبارزه می کند.

تنها سوسیالیسم است که می تواند آزادی و رهایی واقعی بشریت را به ارمغان آورد. تنها سوسیالیسم است، که می تواند رفاه، خوشبختی، برایری و پیشرفت را برای بشریت ستمدیده به ارمغان آورد. این است پیام روز همبستگی بین المللی کارگران.

طبقه کارگر ایران نیز که جزیی لایتجزا از ارتش بین المللی کارگران تمام کشورهای جهان است، همان هدفی را دنبال می کند که کارگران تمام نظام کشورهای جهان. این هدف، یک نظام جهانی سوسیالیستی است.

کارگران ایران در روز اول ماه مه هم صدا با کارگران تمام کشورهای جهان، سیاست های جنگ طلبانه قدرت های سرمایه داری و تعرض به سطح معیشت و حقوق و دست آوردهای کارگری را محکوم خواهند کرد و علی رغم وجود رژیم اختناق و سرکوب حاکم بر ایران، همبستگی خود را با تمام کارگران جهان نشان خواهند داد.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

نابود باد نظام سرمایه داری – زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی

سازمان فدائیان (افقیت)

اردیبهشت ماه ۱۳۸۳



کشتار در فلوجه

وتوسعه طلبانه امپریالیسم آمریکا بر مردم جهان روشن بود. اکسیون های اعتراضی میلیون ها تن از مردم سراسر جهان علیه جنگ افروزی امپریالیست ها، به وضوح این حقیقت را نشان می داد. اما امپریالیسم آمریکا ادعا می کرد که به خاطر تابودی سلاح های کشتار دست‌جمعی رژیم بعثی عراق که خطری برای تمام مردم منطقه است و نجات مردم عراق از شر دیکتاتوری صدام و برقراری دمکراسی در این کشور، به لشکر کشی نظامی روی اورده است.

عروسوک های دست نشانده آمریکا در شورای حکومتی عراق نیز سوگند می خورند که آمریکا هدفی جز برقراری دمکراسی در عراق و پیشرفت و آبادانی این کشور ندارد. اکنون دیگر پوچ بودن این ادعاهای بر هر کسی آشکار شده است. توده های مردم عراق اما از همان آغاز می دانستند که امپریالیسم آمریکا هدفی جز به بند کشیدن آنها و پیشبرد اهداف و مقاصد اقتصادی و سیاسی امپریالیستی ندارد. لذا از همان نخستین روز اشغال کشورشان، مقاومت در برابر اشغال گران را آغاز نمودند. عملیات نظامی به ویژه علیه نیروهای نظامی آمریکا گسترش یافت. در آغاز ادعایی شد که مقاومتی از جانب مردم عراق نیست. عملیات نظامی کار تعدادی تروریست القاعده ای است که از کشورهای همسایه عراق آمده اند. اما گسترش جنبش مقاومت، بی اعتباری این ادعای را به همگان نشان داد. دیگر نمی توانستند بگویند که اعتصبات، نظاهرات و در هر روز چندین عملیات نظامی کار چند تروریست القاعده ای است. لذا پس از گشتن چند ماهی از اشغال، ادعا کردن که مخالفین نیروهای اشغالگر، تروریست های القاعده ای و طرفداران صدام هستند. اما موج مقاومت، وسیع تر و گستردۀ تر شد. امپریالیسم آمریکا در مدتی کوتاه عملای نشان داد که جز فقر، کشتار، ویرانی و اسارت چیزی عالیه مردم عراق نکرده است. اعتراض گستردۀ تر شد و ابعاد جنبش مقاومت به درجه ای وسعت یافت که امپریالیسم آمریکا و پادوان جیره خوار آن در شورای حکومتی دست نشانده، دیگر نمی توانستند لاطنانات و از اراجیف یک سال گذشته خود را تکرار کنند. پرده ها کنار زده شد و کشتار دست‌جمعی اشکار

یکدیگر در حال منازعه بوده اند. در این مدت مقتدا صدر توانست با استفاده از نفرت مردم از نیروهای اشغالگر، موقعیت خود را مستحکم کند و گروه مجلس اعلای اسلامی را که متحد جمهوری اسلامی ایران و آمریکاست، تعزیز نماید. هر چند که این گروه همانند مجلس اعلای اسلامی، یک جریان ارتحاعی - اسلامی است که نمی تواند اختلاف جدی با امپریالیسم آمریکا داشته باشد، اما برخی مواضع آن با سیاست های آمریکا در عراق در تضاد قرار می گیرد. لذا آمریکانیان تصمیم گرفتند نشریه ای را که منتشر می کرد منوع انتشار سازند، برخی افراد آن را دستگیر و این گروه را منحل اعلام کنند. این خود منجر به شورش طرفداران وی در چند شهر عراق شد و موقعیت نیروهای اشغالگر را وخیم تر کرد.

وخشی گری ارتش آمریکا در فلوجه و تعدد دیگری از شهرهای عراق، حکومت دست نشانده آمریکا را نیز دچار بحران و شکاف کرد. برخی از اعضای شورای حکومتی در پی وقایع دو هفته اخیر استغفارند.

مجموعه حوادث سیاسی و نظامی دو هفته اخیر در عراق نشان می دهند که وضعيت نیروهای اشغالگر و متحدهن و همکاران آنها که اکنون عدتا به مجلس اعلای اسلامی و گروههای کرد عراق به رهبری طالبانی و بارزانی محدود می گردد، روز به روز و خیم تر می شود.

شکست نیروهای اشغالگر به رهبری آمریکا در عراق یک سال پیش از اشغال نظامی این کشور، اکنون از همه سو آشکار

توده های مردم عراق در دستور کار قرار گرفت. ارتش آمریکا برای درهم شکستن یکی از مراکز جنبش مقاومت، با تمام تجهیزات نظامی وارد عمل شد. هوایپامها و هلی کوپترهای آمریکایی، بمباران مناطق مسکونی شهر فلوجه را آغاز نمودند. تانک های آمریکایی تمام شهر را زیر آتش توپ های خود قرار داند و سربازان آمریکایی هر که را که یافتند به قتل رساندند. در این اقدام وحشیانه و جنایتکارانه چندین هزار تن از مردم فلوجه کشته و زخمی شدند. دهها هزار تن آواره و در بدر شدند. آمار اعلام شده از سوی خبرگزاری ها حاکی است که متجاوز از ۶۰۰ تن از مردم شهر فلوجه به دست سربازان آمریکایی به قتل رسیده اند. اما خود مردم تعداد کشته شدگان را که در میان آنها از کودک کم سن و سال و پیرزنان و پیر مردانی که زیر بمباران ها به قتل رسیده اند، بسیار دیده می شود، بسی فراتر از این رقم می دانند.

با این همه وخشی گری ارتش آمریکا،

مقاومت مردم نه تنها در هم نشکست بلکه

درگیری های نظامی همچنان ادامه دارد

و به تعداد دیگری از شهرهای عراق

گسترش یافته است.

در این میان آنچه موقعیت امپریالیسم

آمریکا را وخیم تر کرده است، شکافی

ست که در صفووف گروههای

اسلامگرای شیعه پدید آمده است. دو

گروه رقیب مجلس اعلای اسلامی و

جیش المهدی به رهبری مقتدا صدر از

همان آغاز اشغال عراق، برای کسب

رهبری در مناطق شیعه نشین عراق با

استعداد و ذوق هنری در کشف دلائل توجیه این گونه تلاش‌ها برای چهره آرائی جمهوری اسلامی در شکفت می‌ماند!

جمهوری اسلامی با دولت آلمان زد و بند می‌کند، زیر پوشش فعالیت‌های فرهنگی و هنری، پای خمینی را به چنین مراسمی باز می‌کند، با ظاهر فربیی سعی می‌کند چهره ددمتش و جنایتکارانه خود را بزرگ کند، با وفاحت تمام نه فقط به هنرمندان، بلکه به عموم آزادیخواهان و مردم ایران اهانت می‌کند، آنوقت کسانی پیدا می‌شوند، که بر سر "اصلی" یا "بدلی" بودن زیرجامه و نعلین و عبای خمینی مشاجره و چون چرا می‌کنند!

جمهوری اسلامی بر متن سرکوب خشن داخلی و نقض دائمی آزادی‌های سیاسی، بریدن زبان‌ها و بستن دهان‌ها و شکستن قلم‌ها، زندان و شکنجه واعدام آزادیخواهان و مخالفین، قتل عام زندانیان سیاسی، سر به نیست کردن شعراء، نویسندهان و هنرمندانی امثال سعید سلطانپورها، پوینده‌ها و مختاری‌ها، با همکاری و بند و بست بادولت آلمان، می‌خواهد به افکار عمومی چنین القاء کند که گویا این رژیم، دمکرات و متمدن شده است، حدو و ثغور قوانین حقوق بشر را رعایت می‌کند و نه تنها بیگرد آن از سرکوب و ترور و زندان واعدام خبری نیست، بلکه به هنرمندان و حتا مخالفین خود نیز اجازه فعالیت و ارانه کارهای هنری وابی را می‌دهد و این فراتر، حتا در راه شکوفائی آن نیز تلاش می‌کند!

وقتی که این دروغ و فریب و این تلاش مذبوحانه توسط افراد و نیروهای انقلابی و چپ افشاء و محکوم می‌شود، آنوقت کسانی پیدا می‌شوند که فریاد و آزادی شان به آسمان می‌رود، و به نام آزادی بیان و اندیشه، از نمایش تصویر و لوازم شخصی خمینی حمایت و دفاع می‌کنند. این حضرات طرفداران آزادی بیان و اندیشه که از تبلیغ و ترویج ارتقای و ضد آزادی، و از سمبول سرکوب و سانسور و خفقات و کسی که عملکرد و نظام اعتقادیش، با آزادی بیان و اندیشه، عمیقاً متعارض و متضاد است دفاع می‌کنند. آیا به خود جرأت می‌دهند به همین سباق و به نام آزادی بیان و اندیشه، از هم ردیفان خارجی خمینی، مثل از هیتلر و نمایش تصاویر و لوازم شخصی وی، همراه و در کنار یک فستیوال "فرهنگی" دفاع کنند؟ در هر حال این مسئله بسیار روشن است که چنین

فستیوالی در ادامه کنفرانس برلین

این مراسم و به بهانه "معرفی جایگاه تازه هنرمند ایرانی" به اقدام بی سابقه ای نیز دست زده است و علاوه بر عکس قاب گرفته خمینی جlad، نعلین و کلاه و لباده و تسیبی و زیرجامه و برخی دیگر از لوازم شخصی این سمبول ارتقای، بنیان گذار حکومت دینی، بزرگ مرتاجع حکومت اسلامی، عامل کشتار و سرکوب هزاران هزار تن از مردم ایران و فتوادهنه قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ رانیز به نمایش گذاشت. این اقدام شرم اور و در عین حال حساب شده که بی تردید محصول بدستان های سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی با دولت آلمان بود و در پوشش فعالیت‌های هنری و فرهنگی انجام می‌شد و بالآخره لاعب زدن و آرایش چهره رژیم سانسور و خفقات و کشتار را تعقیب می‌کرد، فوراً مورد اعتراض فرار گرفت.

کانون نویسندهان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران در تبعید، با صدور فراغوان مشترکی در ۴ مارس، ضمن اعتراض به این اقدام "خانه فرهنگ های جهان" و اعلام ارزیار از آن، شرکت "هنرمندان" در این فستیوال و چرای برنامه در کنار عبا و عمامه خمینی را هشدار دادند.

اما جالب اینجاست که کسانی از میان همین "هنرمندان" به بهانه دفاع از آزادی بیان و اندیشه در صدد توجیه این اقدام بی شرمانه برآمدند و در جریان توجیهات خویش نیز به آنچنان دلائل بیش پا افتداد و مسخره ای متousel شدند که انسان را به حیرت می‌اندازد. یکی از این حضرات "هنرمند" با این استدلال که وسائل شخصی خمینی مثل کلاه و نعلین و لباده، حاصل کار چند "هنرمند" ایرانی ساکن زوریخ آلمان است، و مخالفت با نمایش آن، مخالفت با آزادی بیان و اندیشه است، این اقدام را توجیه می‌کند و فردیگری با این استدلال که در متن فراغوان و اعتراض مشترک کانون و انجمن... "ابهام" وجود دارد و این متن "روشن نمی‌کند که کلاه و لباده و نعلین خمینی اصل و یا بدل هستند" و طوری نوشته شده است که گویا این ها همان لوازم خمینی هستند که در "موزه مربوط به ایشان در ایران نگهداری می‌شود و حالا برای نمایش موقتی برای مدتی کوتاه به آلمان منتقل شده اند" به جنگ اعتراض کنندگان و مخالفین برگزاری این نمایشگاه می‌ورد! حقیقتاً انسان از این همه

سیاسی و اقتصادی خویش را تعقیب می‌کرده اند، خود را با برخی از موافقین دلخواه این کشورها همکار و همزبان نشان دهد و یا دست کم و اندود کند که جمهوری اسلامی در این راستا دچار تغییراتی شده است. در این میان، مباحث و مقولاتی نظری حد وحدود آزادی‌های سیاسی، مسئله حقوق بشر، مسئله تشکل‌ها و روزنامه‌ها، مسائل مربوط به نویسندهان و هنرمندان و امثال آن، از جمله مسائلی هستند که رژیم با چنگ اندازی بر آنها، سعی داشته است از این‌ها، به نفع امیال و اهداف خود بهره برداری یا به عبارت درست تر، سوء استفاده نماید. گفتنی است که دو جانب قضیه، الیه هر یک از زاویه تأمین منافع خویش، اهل معامله و همواره آماده بند و بست بوده اند. سه سال پیش درست در چنین روزهایی، کنفرانس برلین بین منظور و در همین رابطه بر پا شد. اما این کنفرانس که از جمله برخی افراد لیبرال - مذهبی، آخوند دوی خردادری و مهره‌های سابق سپاه پاسداران و مقامات امنیتی - اطلاعاتی رژیم صحنه گردان آن بودند، به سرعت رسوا و توسط نیروهای چپ افساء گردید. کنفرانس برلین موفق نشد این ایده را در افکار عمومی جا بیندازد که گویا فاتلان میکتوس و سازماندهانگان قتل‌های زنجیره ای و رژیم اختناق و ترور و قتل عمامه خمینی را هشدار دادند.

اما این بار اینجاست که کسانی از میان همین "هنرمندان" به بهانه دفاع از آزادی بیان و اندیشه در صدد توجیه این اقدام بی شرمانه برآمدند و در جریان توجیهات خویش نیز به آنچنان دلائل بیش پا افتداد و مسخره ای متousel شدند که انسان را به حیرت می‌اندازد. یکی از این حضرات "هنرمند" با این استدلال که وسائل شخصی خمینی مثل کلاه و نعلین و لباده، حاصل کار چند "هنرمند" ایرانی ساکن زوریخ آلمان است، و مخالفت با نمایش آن، مخالفت با آزادی بیان و اندیشه است، این اقدام را توجیه می‌کند و فردیگری با این استدلال که در متن فراغوان و اعتراض مشترک کانون و انجمن... "ابهام" وجود دارد و این متن "روشن نمی‌کند که کلاه و لباده و نعلین خمینی اصل و یا بدل هستند" و طوری نوشته شده است که گویا این ها همان لوازم خمینی هستند که در "موزه مربوط به ایشان در ایران نگهداری می‌شود و حالا برای نمایش موقتی برای مدتی کوتاه به آلمان منتقل شده اند" به جنگ اعتراض کنندگان و مخالفین برگزاری این نمایشگاه کشانده اند.

موضوع از این قرار است که "خانه فرهنگ های جهان" که یک نهاد به اصطلاح فرهنگی آلمانی است، اقدام به برگزاری یک نمایشگاه و جشنواره "فرهنگی" به نام "فستیوال نزدیک دور دست" نموده است تا در آن چند نمایش هنری و یا نمونه خوانی ادبیاتی برگزار شود. اما این نهاد مثلاً فرهنگی، در کنار

از صفحه ۴

خبری از ایران

اکنون بدون دریافت حق سنتوات، ۱۳ ماه است که در حالت سرگردانی و بلا تکلیفی به سر می برند.

تعویق پرداخت دستمزدها و بلا تکلیفی کارگران

بیش از ۴ ماه است که دستمزد کارگران آجرسازی "جنگیه" اهواز، پرداخت نشده است. افزون بر این نزدیک به یک سال است که حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی نیز پرداخت نشده است و از این رو به ۱۰ کارگری که شامل قانون بازنیستگی مشاغل سخت و زیان اور شده اند، حق بیکاری پرداخت نمی شود. با وجود آن که کارگران این شرکت بارها دست به اعتراض و تجمع زده اند، اما کسی به خواست آنان توجه نکرده و همچنان بلا تکلیف اند.

امتناع کارفرما از پرداخت دستمزد

از صفحه ۵

فستیوالی در ادامه . . .

"هنرمندانی" با دفاع از نمایش لباده و کلاه و غلیون خمینی ولو به بهانه نمایش آثار "هنری" یا به بهانه دفاع از آزادی بیان و اندیشه، آگاهانه یا غیر آگاهانه به پیش برندگان اهداف و سیاست های جمهوری اسلامی مبدل می شوند.

جمهوری اسلامی از این دست اقدامات دست برخواهد داشت. "فستیوال نزدیک دور دست"، ادامه کنفرانس برلین، در تعقیب همان اهداف و برای گسترش و تحکیم مناسبات جمهوری اسلامی با آلمان و سایر دولت های غربی است. با بدون تصویر و لباده خمینی، فستیوالی که ابتکار آن در دست وزارت خارجه آلمان و حاصل زدو بند آن با جمهوری اسلامی است، اهداف سالمی را دنبال نمی کند. هر چند جمهوری

در پی اعتراضات مکرر کارگران شرکت شهد ارک رشت و علی رغم آن که مدیریت این شرکت و عده داده بود حقوق های عقب افتاده کارگران را تا آخر اسفند ۸۲ بپردازد، اما این بار هم کارفرما به وعده خویش عمل نکرد. ۶۵ کارگر این شرکت بیش از شش ماه است دستمزد نکرفته اند.

کارگران اعزامی به گره

معاون وزیر کار گفت، ۶۰۰ کارگری که برای کار به کره اعزام شده بودند، به کشور باز گشتنند. روزنامه قدس در این باره می نویسد، به دلیل بی برنامگی در کاریابی های داخلی و خارجی، این کارگران با مشکلات و تعارضات متعددی رو بروه شده اند و اکثر آنان حالت روانی پیدا کرده و مجبور به بازگشت شده اند.

تجمع اعتراضی معلمان

شمار زیادی از معلمان نهضت سواد آموزی، صبح روز دوشنبه ۲۴ فروردین در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خویش، برای چندین بار در برابر ساختمان اصلی وزارت آموزش و پرورش دست به تجمع

در صفحه ۷

گرامی باد اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی کارگران

از صفحه ۴

کشتار در فلوجه

شده است. فرماندهان نظامی ارتش آمریکا در عراق برای مهار اوضاع تقاضای گسیل ۵، هزار نیروی نظامی دیگر را به رؤسای خود در آمریکا داده اند. اما اگر ارتش آمریکا حتاً نیروی نظامی خود را در عراق به دو برابر نیز افزایش دهد، بار هم کاری از پیش نخواهد برد. در کشوری که بعد جنبش مقاومت تمام شهرها را فراگرفته است، هرخانه سنگری است که نیروی مقاومت در آن در کمین است. در چنین جنگی، هیچ اشغالگری قادر به پیروزی نیست. این را اکنون طبقه حاکم آمریکا نیز فهمیده است و با افزایش تعداد نظامیان کشته شده آمریکایی در عراق، طبقه حاکم آمریکا در تلاش است راهی برای خروج از این بن بست پیدا کند. کشمکش جناح های هیئت حاکمه آمریکا بر سر مسئله عراق و روشن پی در پی پرونده هایی علیه بوش، به وضوح نشان می دهد که طبقه حاکم در آمریکا در تلاش است تا با جابجایی مهره های سیاسی خود که احتمالاً در جریان انتخابات چند ماه آینده رخ خواهد داد، معضل عراق را به طرقی دیگر حل کند. راه حلی که آنها از هم اکنون در پی آن هستند سهیم کردن رقبای امپریالیست اروپایی و پوشش دادن اشغال عراق بیش از آن بحرانی است که بشود به نام سربازان پاسدار صلح، اوضاع را تحت کنترل در آورد.

تنها خروج نیروهای اشغالگر، می تواند بحران عراق را لاقفل تخفیف دهد. تا آن زمان درگیری ها ادامه خواهد یافت.

نشریه کار

ارگان

سازمان فدائیان (اقیلت)

را بخواهند

سرمایه داری حاکم باز هم قربانی گرفت

روز ۱۸ فروردین یکی از کارگران اجریان بازخرید شده و اخراجی کارخانه قند میاندوآب به نام فرج پور، در کارخانه حضور یافت و پس از آن که با اسلحه به سمت رئیس کارخانه و مسئول کارگزینی شلیک کرد، با خالی کردن گلوله ای دروغ خویش، به زندگی خود پایان داد. بدین ترتیب بار دیگر کارگری که در اثر فشارها و تنگه ای اتحمیلی نظام حاکم به سنته آمده بود، قربانی این نظام کثیف و مناسبات ستمگرانه آن واقع شد.

آمار خودکشی افزایش یافته

به گفته معاون اجتماعی سازمان بهزیستی، در سال ۸۲ آمار خودکشی به ویژه در میان زنان افزایش یافته است. بیشترین آمار خودکشی مربوط به زنان و دختران جوان (زیر ۲۰ سال) است. اقدام به خودکشی در مورد زنان دوبرابر مردان بوده است. به گزارش روزنامه جام جم، در سال ۸۱، بیش از ۲۵۰ مورد خوکشی منجر به مرگ، در میان دانشجویان گزارش شده است.

چند خبر کوتاه

معاون امور استان های سازمان تامین اجتماعی اعلام نمود که براساس قانون نوسازی صنایع و اثیمن نامه ای که اخیراً به تصویب هیئت دولت رسیده، ۳۰ هزار کارگر در سال جاری بیکار و به شمار مقرر بگران بیمه بیکاری افزوده می شوند.

مشاور فرماندار تهران در امور بانوان گفت ۹۰ درصد زنانی که تحت خشونت خانگی همسران قرار می گیرند، خانه دار هستند.

دیگر کل خانه کارگر می گوید در سال گذشته ۶ درصد به جمعیت کارگران فرار دادی افزوده شده است و هم اکنون ۴۲ درصد از کارگران کشور را کارگران فرار دادی تشکیل می دهد. (اینترنت ۱/۱۹/۸۲)

- به حکم قوه قضائیه، روز شنبه ۲۲ فروردین، در یکی از زندان های اهواز، دست یک زندانی متهم به سرقت را قطع کرند.

خبرهای از ایران

زندن. به گفته یکی از اعتراض کنندگان در حالی که مجلس تصویب کرده است که حق التدریسی های طرح ۵ ساله نهضت سواد آموزی پس از طی این مدت می تواند به استخدام رسمی در آیند، اما تاکنون هیچ اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است. نزدیک به ۴۰۰۰ آموزشیار نهضت سواد آموزی خواهان استخدام رسمی هستند. تجمع کنندگان اعلام کرند چنانچه مسئولین به خواست آنان رسیدگی نکنند، مجدداً روز چهارشنبه دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

مشکلات تنفسی و بینایی زنان قالی باف

طبق گزارش منتشره در خبرگزاری ایسنا، مشکلات بینایی در میان زنان قالیباف، در بیش از ۶۰ درصد آنان به نقص دید و نزدیک بینی منجر شده است. یکی دیگر از عوارض قالیبافی در میان زنان، بیماریهای تنفسی است. سازمان بین المللی کار در گزارشی از وضعیت این زنان، پادآور شده است که در کشورهای چون هند، نپال و افغانستان، بیماریهای تنفسی جان زنان قالیباف را به مخاطره می اندازد. از آسم به عنوان یکی از بیماریهای رایج در میان قالیبافان زن یاد شده است.

قراردادهای موقت به مراکز درمانی هم تعیین یافته

قراردادهای موقت (یک ماهه) به مراکز درمانی هم تعیین یافته. خبرگزاری ایننا در اواسط فروردین سال جاری گزارش داد که هم اکنون علاوه بر ۷۰ درصد کارگاهها، در بسیاری از مراکز درمانی نیز، کارفرمایان قراردادهای موقت و یک ماهه را بر کارگران تحمیل می کنند.

اخراج کارگران شهرداری

در آستانه سال ۸۳ دهها تن از کارگران شهرداری سندج اخراج شدند که از جمله می توان به ۵ کارگر سازمان همیاری شهرداری و ۱۲ کارگر از فروشگاه رفاه اشاره کرد.

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و اشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecoubre
75015 Paris
France

کانادا

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد موردنظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I . W . A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۱۸۸۲۷۱
۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۳۹)

منبع - ص ۱۴۹.

۹۰۰۰ زن عضو اتحادیه های نساجی که در سال ۱۸۹۶، لاقل، پنج ششم کل زنان متشكل در اتحادیه های نساجی رانمایندگی می کردند، ستون فقرات جنبش را تشکیل می دادند.

آنها خواهان حق رأی عمومی به عنوان بخشی از لیست مطالبات اجتماعی و اقتصادی خود بودند.

آنها، صرفا علاقمند به برخورداری از حق رأی به عنوان سمبول برابری نبودند. بلکه از آن رو خواهان آن بودند که شرایط زنان امثال خودشان را بهبود بخشنند...

بدون دانستن این که چگونه از حق رأی می باید استفاده کرد، این رأی چه معنایی می توانست داشته باشد؟ آنها، همگی بدون استثناء در کمپین های گسترشده تر زنان کارگر حضور فعل داشتند. آنها به عنوان فعالین اتحایه ای برای ارتقاء سطح دستمزد و بهبود شرایط کار، تلاش می کردند. آنها، برای آموزش و تحصیلات دختران کارگر و تسهیلات بهتر برای مادران کارگر و فرزندانشان مبارزه می نمودند. (همان کتاب صفحات ۲۵ و ۲۹) راه و روشی که آنها برای انجام این اقدامات اتخاذ می نمودند، ریشه در تجرب طبقه کارگر داشت:

... روش های شان، آنهایی بود که در جای دیگر، در متنیگ های جلو کارخانه، پیشبرد جنبش حق رأی از کانال شعب اتحادیه ها و سازماندهی از طریق سوراهای صنوف، آموخته بودند. بدینهانه، این جنبش تنوانت است حمایتی را که لایق و سزاوار آن بود، در جنبش وسیع تر کارگری به دست آورد و با موانعی لایحل روپرتو گردید. به آغوش بورژوا - فرمینیست ها پناه برد و پس از چند سال از بین رفت.

اتحادیه اجتماعی و سیاسی زنان، موضوع بخش بعدی کتاب است.

در شماره قبل، به "محافظه کاری جنبش کارگری بریتانیا" از کتاب مبارزه طبقاتی و رهائی زنان اشاره شد. "معضلات زنان طبقه کارگر در بریتانیا" موضوع این شماره می باشد.

مشکلات زنان کارگر

سیاست های انتلافی لیبرال - کارگری ، به منافع زنان کارگر، بیش از مردان این طبقه لطمه زد. توانانی بالقوه زنان کارگر به مبارزه، در حالی که به سوی اتحادهای طبقاتی و محافظه کاری سوق داده می شدند، منکوب و تحریف شد و هرگز اجازه شکوفایی نیافت. با نظری اجمالی به تاریخ جنبش برای حق رأی در میان زنان کارگر نساجی ها در آستانه قرن، می توان این ظرفیت را به وضوح بید.

اثر بر جسته لید بینگتون و جیل نورین

"ستی از پشت مانع ما شده است" این واقعیت را توضیح می دهد. در ۱۸۹۳، "استررپر" کارزار حق رأی در میان کارگران نساجی لانکشاير را آغاز نمود که تاثیرات قابل توجهی بر انجمن های قدیمی تر مبارزه برای حق رأی، کمیته های نمایندگی کارگری و حتا بر پارلمان، بر جای گذاشت. از اوایل ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ این کارزار نیرو گرفت و به موفقیت های قابل توجهی دست یافت.

در اول ماه مه ۱۹۰۰، طومار جمع آوری امضاء در لانکشاير گشوده شد. تا فصل بهار، تعداد امضاهای زنان کارگر ببروی این طومار به ۲۹۳۵۹ رسیده بود. در ۱۸ مارس، یک هیئت ۱۵ نفره از زنان کارگر نساجی لانکشاير، طور مار را به لندن بردا که آن را به مجلس عوام تحويل دهد. تحت تاثیر این مواقیت ها، فعالین انجمن شمال انگلستان تصمیم به گسترش شبکه های خود و بسط آن به کارگران صنایع پشم در بورکشاير و کارگران صنایع نساجی و ابریشم در شمال چه شایر گرفتند. (همان

پست الکترونیک E-Mail
info@fedaian-minority.org

نشانی ما بر روی اینترنت:
<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)
No. 427 apr 2004

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی